



بەنەما





نشر طلائی

مجموعه کتاب‌های لب‌خندِ سفید

تجرباتی برای بعضی از نوجوانان خوش ذوق

مطمن ماجرای

سعید طلایی
تصویرگر: مهدی صادقی



سرشناسه: طلایی، سعید، ۱۳۶۸ -

عنوان و نام پدیدآور: ماجراهای مُنطنن : بحر طویل هایی برای بعضی از

دبیرستان/سعید طلایی : تصویرگر مهدی صادقی.

مشخصات نشر: تهران : نشر طلایی، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.: مصور: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

فروست: مجموعه کتاب های لِبخنو سفید/

دبیر مجموعه علی رضا لبش.

شابک: ۱- ۳۰ - ۷۹۹۳ - ۶۲۲ - ۹۷۸ -

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: داستان های طنزآمیز فارسی -- قرن ۱۴

۲۰th century -- Humorous stories, Persian

شناسه افزوده: صادقی، مهدی، ۱۳۶۰ - شهریور، تصویرگر

رده بندی کنگره: PIR۸۳۶۱

رده بندی دیویی: ۸۵۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۰۸۹۲۰



نشر طلایی

ماجراهای مُنطنن

نویسنده: سعید طلایی

دبیر مجموعه: علی رضا لبش

ویراستار: سوداچی

تصویرگر: مهدی صادقی

طراح گرافیک: محی الدین حاجی میرزایی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ احرار مبین

تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۲

شابک: ۱- ۳۰ - ۷۹۹۳ - ۶۲۲ - ۹۷۸ -

تلفن: ۶۶۴۸۳۰۶۶ - ۳۱

تلفن همراه: ۹۱۳۶۸۶۴۱۹

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب، برای نشر طلایی محفوظ است.

هرگونه بهره برداری از این اثر، به اجازه ناشر نیاز دارد.

nashre.talae@gmail.com

www.talae.ir





کتاب «ماجرای مطنطن» مجموعه طنزی است که در قالب بحر طویل برای نوجوانان خوش ذوق و علاقمند به ادبیات و شعر نوشته شده است. مطنطن به معنای با شکوه یا همان قلنبه و سُلبه است. یک متن مطنطن نوشته‌ای است که پر از صنایع ادبی و لفظی باشد. در واقع، بحر طویل را می‌توان به عنوان قالبی باحالِ موزون و مطنطن به حساب آورد.

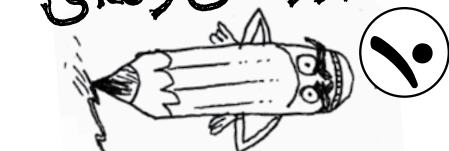
قالب «بحرطویل» سال‌های زیادی است که به دست فراموشی سپرده شده، اما سعید طلایی سعی کرده در این کتاب به گونه‌ای این قالب جذاب را زنده کند. به بحر طویل، نثر موزون هم می‌گویند و سراینده این نوع شعر باید هم نثرنویس باشد و هم شاعر؛ یعنی هم دستش به قلم برود و هم به وزن و قافیه تسلط داشته باشد.

در بحر طویل، برخلاف سایر قالب‌های شعر سنتی فارسی، مصراع‌های مساوی و بیت وجود ندارد. در عوض، بحر طویل از قسمت‌هایی به نام بند تشکیل می‌شود که در هر بند یک جزء مشخص از وزن شعر به تعداد دلخواه تکرار می‌شود. این نوع شعر را خواه‌ناخواه باید با ضرب بخوانید. می‌توانید برای خواندن بحر طویل روی میز یا تنبک یا حتی توی دلتان ضرب بگیرید و با آهنگ موزون شعر را بخوانید و حالش را ببرید.

این کتاب از مجموعه کتاب‌های «لبخندِ سفید» است که نشر طلایی آن را به زیور طبع آراسته و قرار است در این مجموعه با زبان طنز و شوخ‌طبعانه به خواسته‌ها و دغدغه‌های نوجوانان در محیط خانه و فضاهای آموزشی پرداخته شود و علاوه بر آن، کتاب‌هایی خواندنی و سرگرم‌کننده برای نوجوانان فراهم شود.

امیدوارم از خواندن این کتاب لذت ببرید و اگر لبخندی روی لب‌هایتان نشست، کتاب را به سایر دوستانتان هم معرفی کنید. حتی به آن‌هایی که در ردیف آخر کلاس می‌نشینند.

روزهای ژله‌ای



برپدر
نیوتون



همدم
خرس گریزی



شته تحمیلی
شیر بی یال

ودم و اشکم



هوای فیل نشان



قرمه فسنجان

رفیق ساندویچ
ونوشابه



روز
خوشبختی



حضرت استاد
فلافل



سفر از آینده با
شکم گنده

۴۴



غول فضول

۴۶



۴۸ بر آیفون



ساکن
دنیای مجازی

هدف

۳۶

آدمیزادی



رقم خالص
عیدی



۳۸

وای از
خرطوم فیل

۴۰



ملوان زیل



۴۶

۵۱ هیولای
آخر خرداد



سرگشاد
سرنا



ریاضی فیزیک
رمانتیک



دانش آموز
کپی کار

دایورتی ها



قیمت پروازی



لالایی فیثاغورس



ددی طاهر
عریان

۷۴ دعای سال نو



۷۸ ساحل پاکت
چیپس ویفک و
پلاستیک



۷۰ مدرسه مجازی
شاد شاد شاد





روزهای ژله‌ای

خدایا تو که از حال من و اصغر و پرویز خبر داری و

منظور مرا تحت نظر داری و

آگاهی از این درد که مانند جزام است

و تو که دانی که چه اوضاع درام است،

بگو درس کدام است؟

فقط خواب، مرا عشقِ مدام است.

صد افسوس که باز آمده پاییز و دگر کار من خواب تمام است.

به من خواب حرام است.

خدایا تو دگر با من درمانده چنین کار مکن!

حال مرا زار مکن،

گیر و گرفتار مکن،

دستِ مرا باز به خودکار مکن،

لطف کن و کار مرا لنگ گج و خط‌کش و پرگار مکن!

دوباره شده پاییز و در مدرسه باز و حسن و محسن و احسان

که سه شاگرد زرتنگ‌اند و کمی البته خرخوان

همه شادند و خوش و خرم و خندان

و چنان بلبلِ سرمست، غزل‌خوان

ولی افسوس که یک عده شبیه من و امثال من از گریه پریشان

و لب و لوحه‌شان پهن خیابان

چه بگویم که بلا نسبت انسان!

چقدر زود گذشت آن همه تعطیلی و علافی و ول‌گشتن‌مان داخل کوچه!

و چه سخت است که یک مرتبه پاییز پریده‌ست ز پشت در و پخ کرده و ترسانده جوانان وطن را

نه فقط البته من را

که چنان بنده حسام و صفر و آرش و پرویز و حسن را.

در عوضش قول که دیگر نشوم موجب آزار
بنی آدم و

آدم بشوم کم کم و

بر زخم خلائق بشوم مرهم و

القصة، که دیگر نکنم روده درازی و

سر ظهر نه هرگز بروم داخل کوچه پی بازی و

نه دیگر بشوم غرقه دنیای مجازی.

خدایا تو فقط لطف بفرما و به آن موسم
گرما بده دستور،

ولو با تشر و زور،

که برگردد و

ایام دمر گردد و

از جمله ما رفع خطر گردد و

پاییز بگو یک دو سه ماهی برود رد پی کارش
و

از بنده و از آرش و

پرویز و حسام و صفر و محسن و منصور و
هر آن کس که چنین است،

که مانند ژله، پخش شده روی زمین است،

اکیداً بکشد دست

که بیدار شدن وای چه سخت است، چه
سخت است چه سخت است...

